

## روایت مدرسه ایرانی

### در مدار هزاره!



● نویسنده: دکتر علی خلخالی  
 ● سال نشر: ۱۳۹۹  
 ● ناشر: پژوهش مدار  
 ● تلفن ناشر: ۰۲۱-۸۸۳۴۵۲۱۷



● «روایت مدرسه ایرانی بر مدار هزاره»، استعاره‌ای برای اشاره به رویدادهای تکراری در مداری به‌نسبت بسته است. مدار، در فیزیک، مسیری است که در آن جسمی در اثر نیرویی مرکزگرا (مانند گرانش) به دور جسم یا نقطه‌ای دیگر در فضا می‌گردد. به نظر می‌رسد وقایع مرتبط با تعلیم و تربیت ایرانی، به‌طور مستمر در طول هزاره‌ها در حال تکرارند. این موضوع تا حدی است که در شرایط اجتناب از مغالطه زمان‌پرسی یا آنارونیسم، حتی اگر رویدادی مجدد، در قطبی متضاد هم روی داده باشد، باز هم به‌طور شگفت‌انگیزی همان است! اینرسی متراکم حاصل از این تکرار دورانی، مانع از قرار گرفتن در مداری متفاوت است. خروج از این مدار بسته، مستلزم نیروی گریز از مرکزی قدرتمند است.

● نویسنده معتقد است، مدرسه‌ها تبلور آرزوها و امیال مطلوب و نامطلوب مؤسسان و گردانندگان آن‌ها هستند، اما حاصل آن، الزاماً با این آرزوها انطباق ندارد. وقتی مدرسه‌ای تأسیس می‌شود و به فعالیت می‌پردازد، نظام بسیار پیچیده و درهم‌تنیده‌ای شکل می‌گیرد که ماورای اراده گردانندگان آن است.

● در آستانه پایان یک هزاره، انتشارات پژوهش مدار «کتاب روایت مدرسه ایرانی در مدار هزاره»، تألیف دکتر علی خلخالی را به بازار نشر افزود. خواننده این کتاب خیلی زود متوجه می‌شود با اثر متفاوتی روبه‌روست. این کتاب را یکبار نمی‌توان خواند، بلکه باید با آن زندگی کرد.

● در این کتاب، اسطوره‌وارگی «مدرسه» روایت شده است. رویدادنگاری، بازیابی زمان پیدایش پدیده‌ها، و چینش دقیق آن‌ها، بر مبنای زمان پدیدآیی است، به‌گونه‌ای که روایت به‌نسبت معنی‌داری برای خواننده بازنمایی شود. محور کانونی این رویدادنگاری، «مدرسه‌های ایرانی» هستند. در این کتاب، مدرسه ایرانی در پنج عصر مفهوم‌سازی شده است:

- عصر بی مدرسه‌ای، از بی‌نهایت تا سال ۶۰ شمسی، یعنی ۶۸۱ میلادی؛
- عصر مدرسه مقدس، از ۹۲ تا ۱۱۶۸ شمسی، یعنی ۷۱۳ تا ۱۷۹۰ میلادی؛
- عصر مدرسه نجات، از ۱۱۷۰ تا ۱۳۱۷ شمسی، یعنی ۱۷۹۲ تا ۱۹۳۸ میلادی
- عصر مدرسه هژمونیک، ۱۳۱۷ تا ۱۳۷۷ شمسی، یعنی ۱۹۳۸ تا ۱۹۹۸ میلادی
- عصر مدرسه کاغذی، ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۸ شمسی، یعنی ۱۹۹۸ تا ۲۰۲۰ میلادی

● خواننده این کتاب می‌تواند روی هر رویداد متمرکز شود، لایه‌های عمیق‌تری از آن را جست‌وجو کند، فهرستی از تأثیرگذارترین رویدادها بر مدرسه ایرانی را تفکیک کند، رویدادها را تا حد استنتاج جریان‌های تربیتی دسته‌بندی و تصویری شخصی از مدرسه ایرانی را بازآفرینی کند؛ تصویری که با هر بار خوانش می‌تواند واژگونه شود!

● به زعم نویسنده، رویدادنگاری و رویدادخوانی کارکردی همانند روان‌تحلیل‌گری اجتماعی دارد. بازخوانی انتقادی رویدادها این فرصت را برای ضمیر ناخودآگاه جمعی مهیا می‌سازد تا گره‌هایی که آسیب‌زا بوده‌اند اما در ناهشیاری جمعی پنهان شده‌اند، آشکار شوند. تصویر کلی حاصل از رویدادخوانی تحلیلی و انتقادی، سطح اندیشه‌ورزی تصمیم‌گیرنده را در موقعیتی هشیارانه‌تر قرار می‌دهد تا به‌واسطه آن در شرایط سالم‌تری تحلیل و تصمیم‌های بعدی اتخاذ شود.

● مطالعه مکرر این رویدادنگاری به همه علاقه‌مندان علوم تربیتی پیشنهاد می‌شود.